المعهد العالی العالمی للفکر و الحضارة الاسلامیة

کتاب

الشکوک علی جالینوس

للطّبیب الفیلسوف

محمّدبن زکریا الرّازی

حقّقه و قدّم له بالفارسیّة و العربیّة و الانجلیزیّة

الدّکتور مهدی م

طهران - ایر

۱۳۷۲ هـ. ش ۱۲۱۳ هـ.ق

مجموعهٔ اندیشهٔ اسلامی

(الفکرالاسلامی)

۱

متون و مقالات تحقیقی و ترجمه

انتشارات

موسسهٔ بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی (ایستاک)

صندوقِ پستی ۱۱۹۶۱/۵۰۷۶۲ پست تصویری ۲۵۴۸۳۴۳ (۶۰۳)

باهمکاری

دفتر نمایندگی علمی ایستاک در تهران

صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۱۳۳ پست تصویری ۶۳۲۳۶۰ (۹۸۲۱)

زیرنظر

دکتر مهدی محقق

استاد ممتاز فلسفهٔ اسلامی

(ایستاک)

دکتر سیدمحمدنقیب‌العطاس

موسس و مدیر

(ایستاک)

تعداد ۱۵۰۰ نسخه از چاپ اول کتاب الشکوک علی جالینوس رازی در چاپخانهٔ دانشگاه تهران با هزینهٔ موسسهٔ بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی چاپ شد

چاپ مجدد و ترجمه و اقتباس از این کتاب منوط به اجازه کتبی آن موسسه است

فهرست مطالب کتاب

الف : مقدمهٔ کتاب

پیشگفتار، سیّد محمّد نقیب العّطاس	۲	۱ -
سرآغاز، مهدی محقق	۴	۲ -
کتاب الشّکوك علی جالینوس (مقدّمهٔ عربی)، مهدی محقق	۱۴	۵ -
شکوك رازی بر جالینوس (مقدّمهٔ فارسی)، مهدی محقق	۶۶	۱۵ -
کیفیت تصحیح کتاب	۶۸	۶۷ -
گفتار بدیع‌الزمان فروزانفر دربارهٔ کتاب الشّکوك	۷۲	۶۸ -
آثار چاپ شده از جالینوس	۷۸	۷۲ -
مجموعهٔ خطی آثار جالینوس در کتابخانهٔ موسسهٔ مطالعات اسلامی	۸۰	۷۹ -
فهرست مجموعهٔ ملك که کتاب الشّکوك شماره ۲۲ آن است	۸۵	۸۰ -
عناوین اصطلاحاتی که شرح آنها از کتاب استخراج گردیده	۸۸	۸۶ -
سخنانی کوتاه از محمّدبن زکریای رازی	۹۰	۸۹ -
موارد تصحیح و اصلاح متن	۹۴	۹۱ -
غلط‌نامه	۹۶	۹۵ -

ب : متن کتاب

شکوك بر کتاب البرهان	۲۳	۳ -
شکوك برکتاب فی آراء بقراط و افلاطون	۳۵	۲۴ -
شکوك بر کتاب فی الاسطقسّات علی رای بقراط	۴۱	۳۶ -
شکوك بر کتاب فی تفسیر کتاب البقراط فی طبیعة الانسان	۴۳	۴۲ -
شکوك برکتاب المزاج	۵۲	۴۳ -
شکوک بر کتاب المیامر	۵۴	۵۳ -
شکوك بر کتاب حیلة البرء	۵۵	۵۴ -
شکوك برکتاب الاعضاء الآلمة	۶۲	۵۵ -
شکوك بر کتاب العلل و الاعراض	۶۳	۶۲ -
شکوك بر کتاب الصّناعة الصّغیرة	۶۵	۶۴ -
شکوك بر کتاب تدبیر الاصحّاء	۶۹	۶۵ -
شکوك بر کتاب الفصول	۸۰	۷۰ -

شکوك بر کتاب الامراض الحادّة ۸۲ - ۸۱
شکوك بر کتاب النّبض الکبیر ۸۷ - ۸۳

ج : خاتمه کتاب

فهرست کتب جالینوس فی کتاب الشّکوك
مع الرجوع الی رسالة حنین بن اسحق ۱۰۷ - ۸۹
الاشارة الی کتب الرازی فی کتاب الشّکوك ۱۰۹ - ۱۰۸
فهرست الاعلام و الطوائف و الامکنة ۱۱۱ - ۱۰۹
الفهرست التفصیلی لبعض المصطلحات العلمیّة ۱۶۹ - ۱۱۳
شرح بعض المصطلحات من کتاب جالینوس
الی اغلوقن فی التاتی لشفاء الامراض ۱۸۲ - ۱۷۱

د : بخش انگلیسی کتاب

در طرف چپ کتاب پیشگفتار از سیّد محمد نقیب العطّاس و سرآغاز و مقالهٔ «الشّکوك علی جالینوس» از مهدی محقق به زبان انگلیسی آورده شده است .

پیشگفتار

موسّسهٔ بین‌المللی اندیشه و تمدّن اسلامی (ایستاک)[1] رسماً در سال ۱۹۹۱ افتتاح گردید. مهمترین اهداف این موسّسه عبارتست از:

تشخیص دادن و روشن گردانیدن و استوار ساختن مسائل علمی و معرفتی که مسلمانان در این روزگار با آن روبرو هستند.

آماده ساختن پاسخی اسلامی به کوششهای معنوی و فرهنگی دنیای جدید و مکتبهای گوناگون فکری و دینی و عقیدتی.

تبیین فلسفه‌ای اسلامی دربارهٔ آموزش وپرورش شامل تعریف و اغراض و اهداف آموزش و پرورش اسلامی برای تشکیل فلسفه‌ای اسلامی برای علم.

تحقیق دربارهٔ معنی و فلسفهٔ هنر و معماری اسلامی و آماده ساختن وسائل راهنمائی برای اسلامی ساختن هنرها و آموزش‌های هنری.

منتشر ساختن نتیجهٔ پژوهشها و مطالعات گاه به گاه برای پخش آنها در کشورهای اسلامی.

تاسیس کتابخانه‌ای عالی شامل آثار سنّت‌های دینی و معنوی تمدّن‌های اسلامی و مغرب زمین همچون وسیله‌ای برای رسیدن به تحقّق اغراض و اهداف یاد شده.

بخش مهمی از اهداف یاد شده تاکنون در مرحله‌های گوناگون آن به انجام رسیده است.

موسّسه هم اکنون فعالیّت خود را به عنوان یك نهاد بین‌المللی آموزش عالی که در آن دانشمندان و دانشجویان به پژوهش و مطالعه در الهیّات و فلسفه و علوم ما بعدالطّبیعه و علوم محضه اسلامی و تمدن و زبان‌ها و بررسی تطبیقی اندیشه‌ها و مذاهب اشتغال دارند آغاز کرده است و کتابخانه معتبری را که نشان دهنده رشته‌های مربوط به اغراض و اهداف موسّسه است فراهم آورده است.

برای اینکه از گذشته درس بگیریم و بتوانیم خود را ازنظر روحی و فکری برای آینده مجهّز کنیم باید به آثار بزرگان اندیشه‌های دینی و فکری اسلام که برپایه‌های مقدّس قرانکریم و سنّت پیامبر اکرم (ص) نهاده شده باز گردیم. برای این منظور یکی از

---

۱ - ایستاك (= ISTAC) مخفف عنوان موسّسه است:

International Institute of Islamic Thought and Civilization

وسائل اصلی برای رسیدن به اغراض و اهداف موسّسه نشر آثار عمدهٔ دانشمندان مسلمان نامدار گذشته است همراه با تحقیق انتقادی متون آن آثار تا بتوان چهره‌های درخشانی را که نماینده اندیشه و سنّتهای اسلامی گذشته‌اند به نسلهای حاضر و آینده معرّفی کرد. در دسترس نهادن چنین منابعی پایه و اساس ترقّی و تعالی زندگی مادی و معنوی را برای امّت مسلمان فراهم می‌آورد.

از جمله کوششهای ما برای رسیدن به این منظور، موسّسه مجموعهٔ انتشاراتی را با عنوان «اندیشهٔ اسلامی»[1] بنیان نهاده است که به ترجمه و بررسی‌های انتقادی متون اسلامی در موضوعات کلام و فلسفه و علوم مابعد الطّبیعه و علوم محضه اسلامی اختصاص دارد. ما شادمانیم که این مجموعه تحت نظارت و اشراف مدبّرانهٔ پروفسور مهدی محقّق استاد ممتاز فلسفهٔ اسلامی این موسّسه با همکاری موسّسهٔ مطالعات اسلامی دانشگاه تهران انتشار می‌یابد و مجلّد حاضر یکی از آثار این مجموعه است.

از خداوند تبارك و تعالی طلب توفیق در این کار خطیر می‌کنیم و از دانشمندان واسلام شناسان درخواست یاری در این امر مهم و ارزنده می‌نمائیم.

پروفسور دکتر سیّدمحمد نقیب العطّاس
موسّس و مدیر
موسّسهٔ بین‌المللی اندیشه و تمدّن اسلامی
(ایستاك)
مالزی
۱۲ ربیع‌الآخر ۱۴۱۴ / ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۳

---

۱ - Islamic Thought

سر آغاز

ای نـام تـو بـهترین سـرآغـاز　　بی‌نـامتو نـامه کـی کـنم بـاز

موسّسهٔ بین‌المللی اندیشه و تمدّن اسلامی با همّت و کوشش خستگی ناپذیر پروفسور دکتر سیّد محمّد نقیب العطّاس در سال ۱۳۷۰ آغاز به کار کرد. را قم این سطور نه تنها در برنامه‌ریزی علمی آن شرکت داشت بلکه در مراسم افتتاح آن دو سخنرانی یکی دربارهٔ «فلسفه و کلام اسلامی» و دیگری دربارهٔ «رازی پزشك و فیلسوف بزرگ ایرانی» ایراد کرد و در همان مراسم از او خواسته شد که همکاری خود را با آن موسّسه در تدریس فلسفه و تاریخ و منابع علوم اسلامی ادامه دهد و او در طی نیمسال زمستانی ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به تدریس درسهای «تاریخ و منابع علوم اسلامی» و «فلسفه و روش صناعت پزشکی و علوم وابسته به آن در اسلام» پرداخت و در این مدت موفّق شد که متن کتاب «الشّکوك علی جالینوس» محمّدبن زکریای رازی را که پیش از آن مورد مطالعه و بررسی او قرار گرفته بود تصحیح و مقابله کند و نیز تحقیقاتی را که دربارهٔ تاریخ پزشکی در اسلام تاکنون انجام داده بود در مجموعه‌ای به نام «مجموعهٔ متون و مقالات در تاریخ پزشکی اسلامی» مدوّن سازد که این مجموعه بزودی به وسیلهٔ سازمان انتشارات سروش منتشر می‌گردد.

کیفیّت تصحیح متن کتاب الشّکوك در صفحهٔ شصت و هفت این کتاب ذکر شده است و آنچه که در این جا باید یاد شود اینست که هرچند متن کتاب و لواحق آن با فراغت و فرصتی که در کوالالامپور برای او پیدا شد آماده گردید ولی او بحث و تحقیق دربارهٔ این کتاب مهم را از مدتها پیش آغاز کرده و آن را طی مقالاتی در مجامع علمی به اهل علم عرضه داشته بود از این جهت مناسب دانست که آن مقالات را در آغاز کتاب بیاورد تا مورد استفاده دانشجویان این فن قرار گیرد.

مقالهٔ فارسی که دربارهٔ کتاب الشّکوك تحریر یافته و در مجلهٔ دانشکده ادبیّات دانشگاه تهران. شماره ۲ و ۳ سال ۱۳۴۶ منتشر گردیده است.

مقالهٔ عربی که در چهارمین کنگرهٔ بین‌المللی تاریخ علوم اسلامی که به وسیلهٔ دانشگاه حلب در سال ۱۹۸۷ برگزار شد ارائه داده شده و در مجلهٔ تاریخ العلوم العربیّة جلد چهارم سال ۱۹۹۱ در حلب منتشر گشته است.

مقالهٔ انگلیسی که در کنگرهٔ بین‌المللی خاورشناسی که در دانشگاه میشیگان در

سال ۱۹۶۷ برگزار شد ارائه گردیده و در مجموعهٔ مقالات «تحقیقات اسلامی تقدیم شده به چارلز آدامز» در سال ۱۹۹۱ به وسیلهٔ ای. جی. بریل در لیدن از بلاد هلند چاپ شده است.

در پایان از حمایت‌های معنوی پروفسور دکتر سیّد محمّد نقیب العطّاس که محیط علمی آرامی را برای او به وجود آورد تا او توانست این امر مهم را به پایان برساند، و نیز از اولیای کتابخانهٔ مجهّز موسّسهٔ بین‌المللی اندیشه و تمدّن اسلامی که منابع مهم تاریخ علوم در اسلام را در اختیار او گذاشت، و همچنین از استاد علاّمه دکتر عبّاس زریاب خوئی که او را در تصحیح برخی از عبارات متن یاری کرد صمیمانه سپاسگزار است.

مهدی محقق

بیست و دوم مهرماه ۱۳۷۲ هجری شمسی

كتاب الشكوك على جالينوس *

لمحمد بن زكريا الرازي

ابو بكر محمّد بن زكريا بن يحيى الرّازي الملقّب بجالينوس العرب[1] وطبيب المسلمين[2] وعلاّمة علوم الأوائل[3] كان من أعظم علماء الإسلام شهرة وأشهرهم علماً . درس الرّازي عند عدّة من علماء بلاد خراسان وما وراء النهر وطبرستان مثل ابي العبّاس الإيرانشهرى النيّشابوري[4] وأبي زيد البلخي[5] وعليّ بن ربّن الطّبرى[6] وتوغّل في الأعمال الطبيّة في مستشفيات الرّى وبغداد حتّى اشتهر بالطبيب المارستاني[7] وكذا ناقض وناظر علماء زمانه من جملتهم ابو القاسم الكعبيّ البلخي[8] في العلم الإلهي ومسألة الزّمان وأحمد بن الحسن المسمعي[9] في مسألة قدم الهيولى وابو العبّاس النّاشى الأكبر[10] في إثبات الطب وابو الحسن شهيد بن الحسين البلخي[11] في

* ألقي البحث في الندوة العالمية الرابعة لتاريخ العلوم عند العرب بحلب في نيسان – ١٩٨٧ م .

١ – ابن ابي اصيبعه ، **عيون الأنباء في طبقات الاطباء** (بيروت ٦٣ – ١٩٦٥) ، ص ٤١٥ .

٢ – القفطى ، **أخبار الحكماء** (ليبزيك ١٩٠٣) ، ص ٢٧١ .

٣ – ابن تغري بردي، **النجوم الزاهرة في أخبار مصر والقاهرة** (قاهره ١٣٤٨ – ١٣٦٩)، ج٣ ص٢٠٩

٤ – ناصر خسرو ، **زاد المسافرين** (برلين ١٩٤١) ، ص ٩٨ .

٥ – ابن النديم ، **الفهرست** (طبعة فلوجل) ، ص ٢٩٩ .

٦ – القفطى ، **اخبار الحكماء** ، ص ٢٣١ .

٧ – ابن جلجل ، **طبقات الأطباء والحكماء** (قاهره ١٩٥٥) ، ص ٧٧ « مارستان » مخفف « بيمارستان بمعنى المستشفى .

٨ – ابن المرتضى ، **طبقات المعتزلة** (بيروت ١٣٨٠) ، ص ٨٨ .

٩ – المسعودي ، **التنبيه والإشراف** (بغداد ١٣٥٧) ، ص ٣٤٢ .

١٠ – ابن المرتضى ، **طبقات المعتزلة** ، ص ٩٣ .

١١ – ياقوت حموي ، **معجم البلدان** (ليبزيك ١٨٦٦) ، ج ٢ ص ١٦٧ .

مجلة تاريخ العلوم العربية – المجلد التاسع ، ١٩٩١ م – ص ٥ – ١٤ .

مسألة اللّذّة وأحمد بن محمد ابو طيب السرخسي[١٢] في أثر الطعم المر واحمد بن كيال[١٣] في مسألة الإمامة .

والدليل على جلالة قدر الرازي في العلم أن ابا الريحان البيروني برغم انه كان مخالفاً للرازي في بعض عقائده الفلسفية والدينية ألف كتاباً ذكر فيه آثار الرازي على حسب الموضوعات المختلفة العلمية[١٤] أعنى الطب والطبيعيات والمنطق والرياضيات والنجوم وتفاسير كتب القدماء وتلاخيصها والفلسفيات والتخمينيات وما فوق الطبيعة والكيمياء والكفريات والفنون المختلفة الاخرى .

وفي جملة كتبه في الطبيعيات يذكر البيروني كتاب « الشكوك على جالينوس »[١٥] ومع الأسف ما بقي لنا من ذلك الكتاب القيم إلا ثلاث نسخ يظن انها ترجع إلى أصل واحد وبرغم ان الكتاب مفيد جداً لطالبي تاريخ الطب في الإسلام ما طبع حتى الآن . والغرض من كاتب هذه المقالة أن يعرّف الكتاب إلى العلماء الحاضرين في هذا المجلس الشريف على حسب الطّاقة والاستطاعة .

قبل الخوض في أصل البحث لابد أن نشير إلى ان لفظ « الشك » يعادل اللفظ اليوناني Aporia الذي يؤدي معنى الضيّق والعسر والورطة والحيرة ، وفي مجال الجدال الفلسفي يدل على الصعوبة والمشكلة والمعضلة واقتران لفظ الشك أو مقابله اليوناني بالحرف « على » Pros يقربه من معنى الاعتراض والنقد[١٦] . فغرض الرازي في كتابه إثارة الشكوك أو الاعتراضات على مواضع مشكلة تورط فيها جالينوس في مؤلفاته .

ولد جالينوس في سنة ١٣٠ م . في مدينة Pergamon التي عربت بفرغامس أو فرغامن من بلاد آسيا الوسطى ومات في سنة ٢٠٠ م . في سيسيل وترك آثاراً عديدة في العلوم المختلفة خاصة في الطب والفلسفة . الف جالينوس في حياته فهرساً لمؤلفاته

١٢ – ياقوت حموي ، **إرشاد الاديب** (قاهرة ١٩٢٤) ، ج ١ ص ١٥٨

١٣ – مقدسي ، **البدء والتاريخ** (باريس ١٨٩٩ – ١٩١٩) ، ج ٥ ص ١٢٤ .

١٤ – نشرة بول كراوس (باريس ١٩٣٦) نشرة مهدي محقق مع المشاطة لرسالة الفهرست لغضنفر التبريزي (تهران ١٩٨٧) .

١٥ – البيروني ، **الرسالة** ، رقم ٨٨ .

١٦ – عبد الحميد صبره ، **مقدمة الشكوك على بطلميوس لابن الهيثم** ، (قاهره ١٩٧١) ، ص م .

وذلك الفهرس يسمى « فينكس »[١٧] أو « بينكس »[١٨] من Pinax اليونانية بمعنى القائمة وألف كتاباً آخر في كيفية تقدم كتبه وتأخرها في القراءة ويسمى « في مراتب قراءة كتبه »[١٩] . اشتهرت آثار جالينوس بعده وكثر تابعوه وتلامذته وانتشروا في البلاد ودرسوا آثاره في المدارس والمعابد ، وبعد مدة اختفت النصوص اليونانية في زوايا الأديرة والمعابد ونسيت أو كادت تنسى ولكن المترجمين الاسلاميين ترجموا جلّ آثاره من اليونانية الى السريانية والعربية ، وفي العصور الوسطى في اوربا ترجمت من العربية الى اللاتينية[٢٠] حتى انتهى الى عصر النهضة الذي اكتشفت فيه آثاره اليونانية وترجمت الى اللاتينية ثم الى اللغات الأخرى .

اشتركت في ترجمة آثار جالينوس في العصر الاسلامي عدد كثير من المترجمين ولحنين بن اسحق العبادي المشهور بحنين الترجمان المتوفى سنة ٢٦٠هـ[٢١] سهم كبير في امر ترجمة كتب جالينوس وقد بقيت منه رسالة يذكر فيها الكتب التي ترجمها من جالينوس[٢٢] وهذه الكتب كانت سبباً في شهرة جالينوس بين المسلمين حتى صار اسمه في الادب دالاً على الكمال في فن الطب يقول المتنبي :

لما وجدت دواء دائي عندها هانت عليّ صفات جالينوسا[٢٣]

كان الرازي من أقدم العلماء الذين توجهوا نحو آثار جالينوس واستفادوا منها حتى انه وجد كتبا له لاتوجد في فهرست حنين بن اسحق ولا في فهرست جالينوس نفسه[٢٤].

١٧ – حنين بن اسحق ، الرسالة ، ص ٢ « وسماه فينكس وترجمته الفهرست. » .

١٨ – ابن ابي اصيبعة ، عيون الأنباء ، ص ١٣٤ .

١٩ – في اللاتينية De Ordine Librorum .

٢٠ – ارجع Durling, R. J. Achronological Census of Renaissance Editions and Translations of Galen, *The Journal of the Warburg and Courtanld Institute*, Vol. XXIV, Nos 3 – 4 , 1961, P. 233 .

٢١ – ابو زيد حنين بن اسحق العبادي المتوفى ٢٦٠ (ابن النديم) أو ٢٦٤ (ابن ابي اصيبعه) علي بن ربن الطبري يذكره مع لقب « الترجمان » ، فردوس الحكمة (برلن ١٩٢٨) ، ص ٨ .

٢٢ – رسالة إلى علي بن يحيى في ذكر ما ترجم من كتب جالينوس بعمله وبعض ما لم يترجم، مع الترجمة التي عملها برجستراسر Bergstrasser (ليبزيك ١٩٢٥) .

٢٣ – ديوان المتنبي (طبعة ديتريصى برلن ١٨٩١) ، ص ٩٤ .

٢٤ – يذكر ابن أبي اصيبعه كتابا للرازي باسم : « فيما استدركه من كتب جالينوس ولم يذكرها حنين ولا هي في فهرست جالينوس » عيون الانباء ، ص ٤٢٤ .

وقد كان الرازي متابعا لآراء جالينوس لا في الطب فقط بل كان يحذو حذوه في الفلسفة والأخلاق أيضاً فلا عجب أن نرى أنه يصرّح في ابتداء كتاب الشكوك بهذه العبارة :

« ... إذ كنت قد بليت بمقابلة من هو أعظم الخلق على منّة وأكثرهم لي منفعة ، وبه اهتديت وعلى أثره اقتفيت ومن بحره استقيت بما لاينبغي أن يقابل به العبد سيّده والتلميذ استاذه والمنعم عليه ولي نعمته »[٢٥] وكذا نجد بعض عناوين كتب الرازي تطابق عناوين كتب جالينوس نحو « البرهان » و « فيما يعتقده رأيا » و « في منافع الأعضاء »[٢٦] وقد لخص الرازي بعض الكتب المهمة لجالينوس نحو « اختصار كتاب النبض الكبير » و « تلخيص لخيلة البرء » و « تلخيصه للعلل والأعراض » و « تلخيصه للأعضاء الآلمة »[٢٧] وهو يصرّح في كتاب الشكوك كان مقدما على ارسطو بهذه العبارة :

« ولقد كان رجل وجيه بمدينة السلام ممن يميل إلى ارسطاطاليس يقرأ معي كتب جالينوس فإذا بلغ إلى أمثال هذه المواضيع أكثر لومي وتعسفي على تفضيله وتقديمه وكان يعلم الله كثيراً ما يخجلني علو حجته علّي في هذه الاشياء »[٢٨] وجدير بالذكر ان الرازي يميل إلى افلاطون في كثير من المباحث التي يخالف جالينوس فيها ارسطاطاليس ويوافق افلاطون مثل مسألة اللذة والألم ومسألة النفوس الثلاثة ولهذا يقول صاعد الاندلسي في حق الرازي : « وكان شديد الانحراف عن ارسطاطاليس وعائبا له في مفارقة معلمه افلاطون وغيره من متقدمي الفلاسفة في كثير من آرائهم »[٢٩] .

الف الرازي كتاب الشكوك بعد قراءة مصنفات جالينوس المهمة ولهذا وجد مواضع الشكوك في كتبه المختلفة والتناقض فيها في المسائل المتعددة. وقد يسمى ابو الريحان

٢٥ – الرازي ، **كتاب الشكوك** ، مخطوط مكتبة ملك تهران مجموعة ٤٥٧٣ ، ص ١ من نفس الكتاب.

٢٦ – ابن ابي اصيبعة ، أرقام ٢ ، ١٩٠ ، ١٩١ من آثار الرازي . حنين بن اسحق ، **الرسالة** ، ارقام ١١٥ ، ١١٣ ، ٤٩ من آثار جالينوس .

٢٧ – البيروني ، **الرسالة** ، ارقام ١٠٨ ، ١٠٩ ، ١١٠ ، ١١١ من آثار الرازي . حنين بن اسحق ، **الرسالة** ، ارقام ٢٦ ، ٢٠ ، ١٤ ، ١٥ من آثار جالينوس .

٢٨ – الرازي ، **كتاب الشكوك** ، ص ١٦ .

٢٩ – ابو القاسم صاعد بن احمد ، **طبقات الأمم** (بيروت ١٩١٢) ، ص ٣٣ .

البيروني في فهرسته هذا الكتاب « الشكوك على جالينوس »[٣٠] وابن ابي اصيبعه يسميه « الشكوك والمناقضات التي في كتب جالينوس »[٣١] وقد وجدنا في النسخة التي استفدنا منها ونرجع إليها هذا العنوان « كتاب الشكوك للرازي على كتاب فاضل الأطباء جالينوس في الكتب الذي نسب إليه »[٣٢] .

ويجب أن نذكر ان الاسكندر الافروديسي[٣٣] نقض آراء جالينوس[٣٤] قبل الرازي وكذلك يحيى النحوي الإسكندراني وضع كتابا سماه الشكوك أورد فيه ما يزعمه اغلوطات جالينوس[٣٥] .

وقد أشار محمد بن سرخ النيشابوري الفيلسوف الإسماعيلي في كتابه الذي يشرح فيه قصيدة أبي الهيثم الجرجاني إلى كتاب الشكوك للرازي ثم يذكر ان رجلا في زمان الرازي وضع كتابا وسماه الشكوك على محمد بن زكريا وإذا رأى الرازي هذا الكتاب قال : « منزلتي عنده كمنزلة جالينوس عندي » ثم اقر الرازي باشتباهات نفسه[٣٦] ولنا شك في صحة هذه الاسطورة ولكن من المسلم به ان ابن ابي صادق[٣٧] وابن رضوان المصري[٣٨] وابا العلاء بن زهر[٣٩] وضعوا كتباً باسم « حل شكوك

٣٠ – البيروني ، **الرسالة** ، رقم ٨٨ .

٣١ – ابن إبي اصيبعة ، **عيون الأنباء** ص ٤٢٢ .

٣٢ – مخطوطة مكتبة ملك تهران ، ص ١ .

٣٣ – **Alexander of Aphrodisias** .

٣٤ – يذكر ابن ابي اصيبعة منه : « مقالة في الرد على جالينوس في المقالة الثامنة من كتابه في البرهان » «مقالة في الرد على جالينوس فيما طعن على قول ارسطاطاليس ان كل ما يتحرك فانما يتحرك عن محرك » مقالة في الرد على جالينوس في مادة الممكن » **عيون الأنباء** ، ص ١٠٦ .

٣٥ – يقول علي بن رضوان المصري في رسالة منه إلى ابن بطلان البغدادي : « وأعجب من هذا ان يحيى النحوي وضع كتاباً سماه الشكوك يوضح فيه ما يزعمه اغلوطات جالينوس » **خمس رسائل** (قاهره ١٩٣٧) ، ص ٧٥ .

٣٦ – محمد بن سرخ النيشابوري، **شرح قصيدة ابو الهيثم احمد بن حسن الجرجاني** (تهران ١٩٥٥) ص٥٢ .

٣٧ – يقول ابن ابي اصيبعة عند ترجمة احوال ابو القاسم عبد الرحمن بن ابي صادق من رجال القرن الخامس : «وكتب ابو القاسم بخطه حل شكوك الرازي على كتب جالينوس»، **عيون الأنباء**، ص٤٦١ .

٣٨ – يذكر ابن ابي اصيبعة لابي الحسن علي بن رضوان المصري المتوفى ٤٥٣ كتاب « في حل شكوك الرازي على كتب جالينوس » ، **عيون الانباء** ، ص ٥٦٧ .

٣٩ – يذكر ابن اصيبعة لابي العلاء زهر بن ابي مروان **Avenzoar** المتوفى ٥٢٥ كتاب « حل شكوك الرازي على كتب جالينوس » **عيون الأنباء** ، ص ٥١٩ .

الرازي على كتب جالينوس » . ويشير ابن ميمون القرطبي إلى رد ابن رضوان وابن زهر في كتاب فصوله[٤٠] وكان كتاب ابن رضوان في يد ابن أبي اصيبعه[٤١] ولكنه الآن مفقود ولكن بقي لنا من كتاب ابن زهر نسخة في مكتبة مدرسة نواب بمشهد – ايران[٤٢] وعنوان النسخة هكذا « البيان والتبيين في الانتصار لجالينوس » ويظنّ ابن زهر أن أحدا من السوفسطائية ابتدع هذا الكتاب ونسبه إلى الرازي أو ان الرازي الف الكتاب في أحد طرفي عمره : إما في أوله قبل أن يفهم كتب جالينوس وإما في آخره عند اشتغاله بالصناعة أعني الكيمياء وتسلط روائح الزرانيخ والكباريت على دماغه[٤٣] يبتدىء الرازي كتاب الشكوك بهذه العبارة :

« إني لأعلم ان كثيرا من الناس يستجهلوني في تأليف هذا الكتاب »[٤٤] وهو يدافع إيراد هذه الجماعة بقوله : « إن صناعة الطب والفلسفة لايحتمل التسليم للرؤساء والقبول منهم ولا مساهلتهم وترك الاستقصاء عليهم ولا الفيلسوف يحب ذلك من تلاميذه والمتعلمين منه » ثم يجيب لائميه بقوله :

« وأما من لامني وجهلني في استخراج هذه الشكوك فاني لااعده فيلسوفاً إذ كان قد نبذ سنّة الفلاسفة وراء ظهره وتمسك بسنّة الرعاع وتقليد الرؤساء وترك الاعتراض عليهم هذا ارسطاطاليس يقول : « اختلف الحق وفلاطن وكلاهما صديقان إلا أن الحق لنا أصدق من فلاطن »[٤٥] ثم يقول الرازي :

٤٠ – رد موسى بن ميمون القرطبي **Maimonides** على جالينوس في الفلسفة والعلم الالهي ، **مجلة كلية الآداب بالجامعة المصرية** ، المجلد الخامس ، الجزء الأول (١٩٣٧) ، ص ٧٧ .

٤١ – **عيون الأنباء** ص ٤٢٩ .

٤٢ – **مجلة آستان قدس رضوى** ، مشهد – ايران ، الدورة السابعة عدد ١ ، ص ١١٦ .

٤٣ – ابن زهر ، **البيان والتبيين** ، مخطوطة مشهد ، ص ١ يقول ابن زهر : « قال السوفسطائي » بدلا من « قال الرازي » .

٤٤ – الرازي ، **كتاب الشكوك** ، ص١ . اقتبس الرازي مبتدء كتابه من جابر بن حيان لأن الأخير يبتدء كتابه « التجميع » وكذا « السر المكنون » بعبارة : « ان قوما يستجهلوني ... » ارجع إلى **جابر ابن حيان** لبول كراوس **Paul Kraus** (قاهره ٤٣ – ١٩٤٢) ، ج ٢ ص ٢٥٢ .

٤٥ – علي بن رضوان المصري حينما ينقل في رسالته إلى ابن بطلان هذا القول لارسطاطاليس يضيف اليه قول فرفوريوس **Porphyry** الذي قال : « إن قتل آباءنا أهون إلينا من قبول الآراء الفاسدة» **خمس رسائل** . ص ٧٦ .

« وإن سئلت عن السبب الذي من أجله يستدرك المتاخرون في الزمان على أفاضل القدماء بمثل هذه الاستدراكات . قلت إن لذلك اسباباً : منها السهو والغفلة الموكلة بالبشر ، ومنها غلبة الهوى على الرأي فانه ربما طمس الهوى عين الرأي في رجل من الناس لأمر ما حتى يقول فيه ما خطا إما هو يعلم خطأه وإما هو لا يعلم خطأه حتى إذا تصفح ذلك القول رجل لبيب عار من ذلك الهوى لم يذهب عليه ما ذهب على الرجل الأول ولم يدعه الهوى إلى ما دعاه إليه . ومنها ان الصناعات لاتزال تزداد وتقرب من الكمال على الأيام ... فإن قيل لي هذا يدعو إلى ان يكون المتاخرون من أهل الصناعات أفضل فيها من القدماء . قلت إني لا أرى أن اطلق ذلك إلا بعد ان اشترط في وصف هذا المتآخر في الزمان إذا كان مكملا لما جاء به القديم . .

أورد الرازي في كتابه شكوكا على جالينوس في المسائل الطبية والفلسفية ولهذا اعترض ابن ميمون في كتابه الذي سماه « الفصول » على الرازي بأن الرازي في كتاب الشكوك بذل جهده في المسائل الفلسفية وأهمل المسائل الطبية[٤٦] ولكن ايراد ابن ميمون مدفوع بأن جالينوس نفسه بحث في كتبه الطبية عن المسائل الفلسفية مثل الحدوث والقدم والكون والفساد والزمان والمكان والهيولى والخلاء والملاء وذلك بأن القدماء كانوا يعتقدون بأن الطب والفلسفة يكملان أحدهما الآخر حتى روى عن بعضهم ان الطب فلسفة البدن والفلسفة طب الروح[٤٧] . وهذا جالينوس الف كتاباً سماه « في أن الطبيب الفاضل يجب أن يكون فيلسوفاً »[٤٨] وكذلك كانت سيرة أطباء الاسلام أن يذكروا المسائل الفلسفية في كتبهم الطبية ليكون أنرهم جامعا لطب الأبدان وطب الأنفس معا ونجد هذا الاسلوب في كتاب فردوس الحكمة لعلي بن ربن الطبري وهكذا في كتاب المعالجات البقراطية لأبي الحسن الطبري. ويجب أن نذكر ان الرازي خرج عن مسألة الطب والفلسفة مرة واحدة وذلك حين اعترض على قول جالينوس في مسألة اللغات . قال جالينوس : « إن لغة اليونانيين أعذب اللغات لأن لغات سائر

٤٦ — رد موسى بن ميمون القرطبي .... ، ص ٧٧ .

٤٧ — ارجع : Owsei Temkin, " Studies on Late Alexandrian Medicine", *Bulletin of the History of Medicine*, 1935, P. 418 .

٤٨ — حنين بن اسحق ، الرسالة ، رقم ١٠٣ . طبع هذا الكتاب في غوتينغن من بلاد آلمان سنة ١٩٦٦ مع الترجمة الالمانية .

الأمم يشبه بعضها صياح الخنازير وبعضها نقيق الضفادع » وقال الرازي في رده : « إن هذا كلام عوام الناس لأن الألفاظ انما يخف ويعذب بالاعتياد وان لغة العرب عند العرب كلغة اليونانيين عندهم وان العرب يستثقل لغة الروم كما يستثقل الروم لغة العرب »[٤٩] ويشير ابن حزم إلى كلام جالينوس بهذه العبارة : « هذا جهل شديد لأن عالم كل لغة ليست لغته ولايفهمها فهي عنده في النصاب الذي ذكره جالينوس ولا فرق[٥٠] والكتب التي أورد الرازي الشكوك عليها تكون من أهم كتب جالينوس مثل : آراء بقراط وافلاطون ، الأخلاق ، الأدوية المفردة الأسطقسات على رأي بقراط ، اصناف الحميات ، الأعضاء الآلة ، الأغذية ، الأمراض الحادة، البحران، البرهان ، التجربة الطبية ، تدبير الأصحاء ، تشريح الحيوان ، تفسير كتاب البقراط في طبيعة الإنسان ، تفسير كتاب الفصول ، تقدمة المعرفة ، حركة العضل ، حيلة البرء ، الذبول ، الرعشة والنافض ، الصناعة الصغيرة ، العلل والأعراض ، قاطاجانس ، القوى الطبيعية ، في أن قوى النفس تابعة لمزاج البدن ، في ما يعتقده رأيا ، المزاج ، منافع الأعضاء ، المنى ، الميامر ، النبض الكبير . وهكذا ذكر الرازي في كتاب الشكوك أقوالا طبية وفلسفية من الحكماء اليونانيين مثل افلاطون وارسطاطاليس وبقراط وثاسطيوس وثاوفرسطس وخروسبس وابندقلس وديوقلس وثالس واسقلبيادس وديوسقوريدوس وارسسطراطس[٥١] ومن العلماء الاسلاميين مثل حنين بن اسحق ومحمد بن موسى[٥٢] وكذا أشار إلى رجل وجيه وصديق نبيل كان يقرأ معه كتب جالينوس ولم يصرح باسمه[٥٣] .

وحينما يورد الرازي الشكوك على جالينوس يشير إلى بعض كتب نفسه التي فقدت على مر الدهور وهذا يمكننا أن نعلم بعض مطالب كتب الرازي التي لم يبق لنا حتى الآن إلا أسماؤها ومن جملتها :

٤٩ – الرازي ، **كتاب الشكوك** ، ص ٢٩ .

٥٠ – ابن حزم الأندلسي ، **الإحكام في اصول الأحكام** (قاهره مطبعة الا مام) ، ج ١ ص ٣٢ .

٥١ – Plato, Aristotle, Hippocrates, Themistius, Theophrastus, chrysippus, Empedocles, Diocles, Thales Asclepiades, Dioscurides, Erasistratos.

٥٢ – محمد بن موسى المنجم، عيون الأنباء ، ص٢٨٢ والرازي يسميه «فيلسوف العرب» **الشكوك**، ص١٦ .

٥٣ – الرازي ، **كتاب الشكوك** ، ص ٨ ، ١٦ ، ٢٨ .

« سمع الكيان » ، يقول في الشكوك :

« وقد أفردنا لبعض رأى من زعم ان التغيرات كمون وظهور في كتاب سمع الكيان من قرأها علم ان في هذا الكلام تقصيراً عما يحتاج إليه »[٥٤] .

في الرد على السرخسي في امر الطعم المر ، يقول في الشكوك في بحث الاستدلال على عمل الدواء من جهة الطعم : « وقد أفردنا لهذه المطالبات مقالة جعلنا رسمها في الرد على أحمد بن الطيب السرخسي في امر الطعم المر »[٥٥] في أن مركز الأرض ينبوع البرد ، يقول في الشكوك :

« وكان جالينوس يرى ان الركن البارد هو الأرض وقد وجب عليه ان الأرض باردة باطلاقه والبارد باطلاق هو الذي لاشيء أبرد منه فهو إذن أبرد من الجمد وفي ذلك مخالفة الحسّ وتحتاج في حلّ هذا الشك إلى كلام كثير وقد أفردنا لذلك مقالة »[٥٦].

في كيفية الإبصار ، يقول في الشكوك :

« وقد أفردت النظر في هذا الرأي مقالة ضخمة وبينت أن الابصار يكون بتشبح الأشباح في البصر و تعصب ماقاله في هذا الراي في كتاب البرهان وفي سائر كتبه تعصبا شافيا وما قلته ههنا يجري في غرض كتابنا هذا »[٥٧] .

في الأزمنة والأهوية ، يقول في الشكوك حينما ينقل رأي جالينوس من أن احوال بعض الطباع يكون أجود في الصيف : « ولكن لاينبغي أن يطول الكتاب بحله ولا بالجملة شيء من الشكوك التي في كلامه في الأزمنة لانها كثيرة جداً ونحتاج فيها من الكلام إلى أضعاف هذا الكتاب ولأنا عازمون وبالله التوفيق على عمل كتاب في الأزمنة نخصه بهذا المعنى ونبحث فيه عما في هذه المقالة وما في كتاب الأهوية بحثا مستقصى إن شاء الله تعالى »[٥٨]

في جوّ الأسراب ، يقول في الشكوك :

٥٤ – الشكوك ، ص ١٠ .
٥٥ – الشكوك ص ١٧ .
٥٦ – الشكوك ، ص ١٧ .
٥٧ – الشكوك ، ص ٥ .
٥٨ – الشكوك ، ص ٢٥ .

« وقد بينا في مقالة مفردة ان الحرارة التي نحسها في الشتاء في ماء العيون وأهوية المواضع الغامرة ليست من أجل انها في انفسها في هذه الحالة أسخن منها في الصيف لكن نحن نحسها من أجل برد أبداننا كذلك كما نحس الماء الفاتر بعد دخول الحمام وسخونة أبداننا بارد وإن شئت تقف عن جميع ماقلناه في هذا الباب فاقرأ هذه المقالة»[٥٩].

النفس الكبير ، يقول في الشكوك :

« وفيما رد به على خروسبس في عوارض النفس شكوك كثيرة لم يحب أن يطول بها هذا الكتاب لانا عازمون على أن نكتب في هذا الفن كتابا نستقصيه إن شاء الله تعالى ونذكر في هذا الكتاب ما يتشكل عليه في كتاب الأخلاق »[٦٠] .

وكذلك نجد في كتاب الشكوك المطالب العلمية التي تكشف عما قاله الرازي في بعض كتبه التي فقدت وإن لم يصرح نفسه باسماء تلك الكتب .

هذا ما تيسر لي من تعريف ذلك الكتاب القيم على حسب مقتضى الحال والمقام وأوصي الباحثين في آثار جالينوس والرازي وافكارهما الطبية والفلسفية أن يتلقوا الكتاب بأهمية خاصة وأرجو من الله أن يوفقني لتصحيحه ونشره لأخدم بذلك طالبي تاريخ العلوم الاسلامية ومحبيها إن شاء الله تعالى .

٥٩ — الشكوك ، ص ٢٣ .

٦٠ — الشكوك ، ص ٢٤ .

شکوك رازی برجالینوس

جالینوس[1] طبیب ، حکیم وفیلسوف معروف وبنیادگذار طبّ تجربی و برجسته‌ترین پزشك عهد باستان پس‌از بقراط درسال ۱۳۰ میلادی درشهر پرگامون[2] از بلاد آسیای صغیر تولّد یافت . این شهر درآن روزگار ازمراکز مهمّ علم و دانش‌بود وکتابخانهٔ آن شهر پس‌ازکتابخانهٔ اسکندریه در درجهٔ دوم اهمیّت‌قرارداشت . او ازسنّ سیزده‌سالگی شروع بنوشتن وتألیف کتاب کرد ودرپانزده سالگی پدرش اورا برای استماع محاضرات فلسفی فرستاد و در نتیجه در سنین جوانی با افکار مکتبهای افلاطونی ومشّائی و رواقی و و اپیکوری آشنا گشت . پدر او بدنبال خوابی‌که دید فنّ پزشکی‌را برای او برگزید و جالینوس درسال ۱٤٦ بآموختن طب پرداخت و دو سال بعد به سمیرنا[3] رفت تا بدرس پلوپس[4] طبیب‌مشهور حاضرشود . او درجستجوی‌دانش بشهرهای مختلف‌مسافرت کرد

---

* ـ متن انگلیسی این مقاله در روز ۲۵ مرداد ۱۳٤٦ (۱٦ اوت ۱۹٦۷) در بیست‌و هفتمین کنگرهٔ بین‌المللی خاورشناسان در ان‌اربر میشیگان از بلاد امریکا تحت عنوان :
The *Shukūk* of Rāzī against Galen and the problem of the eternity of the world بنحو اختصار بوسیلهٔ نویسنده القا شده‌است .

۱ ـ نام او در یونانی گالینوس و در لاتین Galeni و در فرانسه Galien و در انگلیسی Galen است. ابن ابی‌اصیبعه می‌گوید که در یونانی می‌توان آن‌را جالینوس و غالینوس وگالینوس تلفظ کرد. عیون الانباء فی‌طبقات الاطباء (بیروت ۱۹٦۵) ، ص۱۲۹ .

۲ ـ Pergamon این کلمه در یونانی پرگاسس‌است و در عربی بصورت فرغاسس یا فرغامن آمده یعنی صورت فاعلی ومفعولی هردو پذیرفته شده‌است. این شهر اکنون درترکیه بنام Bergama خوانده می‌شود .

۳ ـ Smyrna

٤ ـ Pelops

و درپایان بمدرسهٔ طب اسکندریه آمد ودرسال ۱٦٤ در رم مستقر گشت وبا بزرگان و فرمانروایان آشنا شد وآنان به مجلس درس او حاضر می‌گشتند . جالینوس درپایان عمر رم‌را ترك کرد و به پرگامون آمد از بقیهٔ زندگی او اطّلاع کمی در دست‌است آنچه که مسلّم‌است اینکه درسال ۱۹۱ هنگامی که درمعبد ایرینی[۱] بیشتر از کتابهای‌او طعمهٔ حریق گشت در رم اقامت داشته‌است و محتمل‌است که او درسال ۲۰۰ درسیسیل ازدنیا رفته باشد[۲]. از جالینوس آثار فراوانی در رشته‌های مختلف علوم و فنون خاصّه طب و فلسفه بجای مانده‌است . او در زمان‌حیات‌خود فهرستی برای کتابهایش تألیف کرد وآن‌را بنام یونانی پیناکس[۳] نامید و همین نام‌است که در نوشته‌های عربی بصورت «فینکس»[٤] و «بینکس»[٥] درآمده‌است . جالینوس این‌کتاب‌را در دومقاله قرار داده در اولی کتابهای طبی ودر دومی کتابهای منطقی‌وفلسفی‌وبلاغی‌ونحوی خودرا یادکرده‌است . کتاب‌نامبرده بوسیلهٔ ایّوب رهاوی بسریانی و سپس بوسیلهٔ حنین بن اسحٰق بعربی ترجمه شده‌است[٦].

---

۱ ـ او خود درکتاب «فی‌عمل التشریح» اشاره بسوختن کتابهایش کرده‌است رجوع شود به :
Max Simon: *De anatomicis administrationibus* (Lipzig, 1906), vol. 1 p. 135 (Arabic Text)

۲ ـ «Galen» *Encyclopedia Britanica*؛ برای آگاهی بیشتر ازشرح حال جالینوس رجوع شود به کتاب جورج سارتن G. Sarton تحت عنوان : *Galen of Pergamon* که درسال ۱۹٥٤ بوسیلهٔ دانشگاه کانساس Kansas انتشار یافته‌است.

۳ ـ این کلمه در یونانی بمعنی صورت و لیست آمده‌است رجوع شود به :
Liddell and Scott: *Greek-English Lexicon* و در لاتین بصورت *De Libris Propiis* ضبط شده‌است.

٤ ـ حنین بن اسحاق ، رساله ، ص۲ «وسماه فینکس وترجمته الفهرست».

٥ ـ ابن ابی اصیبعه ، عیون الانباء ، ص۱۳٤.

٦ ـ این نخستین کتابی‌است که حنین در رسالهٔ خود ص ۲ از آن نام برده و در بارهٔ موضوع و مترجمان آن توضیح داده‌است . رسالهٔ حنین که موسوم به : « رسالة حنین بن اسحق الی علی بن یحیی فی‌ذکر ماترجم من کتب جالینوس بعلمه وبعض مالم‌یترجم » است درسال ۱۹۲٥ درلایپزیک بضمیمهٔ ترجمهٔ آلمانی‌بوسیلهٔ برگستراسر G. Bergstrasser تحت عنوان زیر چاپ شده‌است :
Hunain Ibn Ishaq: Über Die Syrischen Und Arabischen Galen–Übersetzungen.